

بسم الله الرحمن الرحيم

و چون از بتول ترا حجت فرمود و در ذی اولی نزل کرد و از آنجا  
با بریده نعل ساعدت منافقان رفتند و حضرت رسالت علیه  
الصلوة والسلام خواندند که در مسجد ایشان نماز گزارند و جانم  
را طلب فرمود که هر پیشه و برود تا ما، عجز نیک آید و غیر مسجد  
ضار و بیتر منافقان با لایحه قرآن رسانید پس حضرت رسالت  
علیه الصلوة والسلام با کلبی اللاحته و معز بن عدی و عمار بن  
الکلبی و وحشی که فتنه برده طلب فرمود و ایشان را از سنان  
و کتف آن مسجد ظالمان بنا کرد، آید و بران کیند و سوزانند  
پس نخیل رفتند تا بسا که بن عرف فرسیدند و ایشان  
گروه مالک بن دحیم بودند مالک گفت را کیند تا من آتش  
از خانه بیرون آرم و شایخی نخل برداشت و آتش روان زده  
و تنهیل می جویدند تا به مسجد ضرار رسیدند و جاخه منافقان  
را تها و زد و آن بنا را بران کردند و سوزانیدند و اهل  
آنجا متفرق شدند و غیر علیه الصلوة والسلام فرود آمد  
بجاشی و بلیدی که باشد در آنجا می اندازند و فریاد شد و ابو  
عمر را عیب در شام تنها و عیب بود و کتب بن مالک در شان او  
از مخی بنم گفت **شعر** ز فضل چیست خدا یا بیایا  
کز آن گشت حال گروخت بنایا، کلبی دعوی کرد از کلبی  
فروشی بگو آنکه ایمان خوشتر است، عکرمه دعوی کند که من از خطاب

در حدیث

ای کزین  
مؤمن

و بی الله عنده ستان از شیخی از ایشان کرد تا در آن مسجد راه  
کردی گشته یک ستون بنا کرد، ام عمر گشت تیسار، با در آن  
ستون در دو رخ بر کردی تو بخواه بود **گفت** کلبی عرو  
بن عوف که مسجد قبا است مسجد در زمان خلافت ترا زوی در حوا  
کرد تا آن در و در و بجم بن عاصم در آن مسجد آناه کیند عرو  
گفت هیچ چشم بروی او پس نشسته امام محمد ضرار بود  
گفت با امیر المومنین نخیل کلبی و الله من باطن ایشان را  
می دانستم و اگر دانستی نماز را آنجا نکرده ای منی بود که بودم  
و قرآن میخواندم و ایشان بران آراستند و در قرآن می دانستند  
و من تصور داشتم که ایشان بر طاعه اند و مرا امام ساخته  
بودند پس عمر خدرا و قبول کرد و او را مصدق داشته و حضرت  
طابت امام مسجد قبا شد و در آن سال حضرت رسالت علیه  
الصلوة والسلام از آن عاصم را سائل کرد و آنند بزرگ در مسجد  
احمد دعوت کند که در حضرت رسالت علیه الصلوة والسلام نشسته  
بودم تا ما که از آن غایب آید و گفت با رسول ائمه مزنا کرد  
ام و بی خواهم که هر از آن بنا، پاک کردانی فرمود که باز کرد روز  
چهارم با آنکه و همچنان گفت و مان جوارش بنید و روز سوم  
با زاید و مان تمیز کرد و گفت مرا پاک کردان که از زمان استنتم  
فرمود که با زکره تا وضع عمل کنی و چون حل را و منم کرد آن

بعضی از صحابہ العاصم بن علی  
در جمع صحابه نماز

Copyright © King Saud University